

حق ارث و شرایط برخورداری جنین از آن از دیدگاه فقه امامیه، حقوق مصر و افغانستان

عبدالعزیز بیانی^۱

^۱ کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، مجتمع عالی آموزش علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه

چکیده

به نخستین دوران شکل گیری حیات انسان که در رحم مادر قرار دارد، در ادبیات فقهی و حقوقی «جنین» یا «حمل» اطلاق می گردد. با توجه به این که «جنین» به لحاظ و وضعیت و موقعیت خاصی که دارد، بیش تر از هر زمان دیگر در معرض آسیب پذیری بوده و از دید پژوهشگران کم تر مورد توجه قرار گرفته است؛ لذا ضرورت ایجاب می کند پژوهش مناسبی در این زمینه انجام شود، بدین جهت تحقیق حاضر نگاره ای است که با روش تطبیقی و با بهره گیری از منابع کتابخانه ای به بررسی حق ارث و شرایط برخورداری جنین از آن از دیدگاه فقه امامیه، حقوق مصر و افغانستان پرداخته و به نتایج زیر دست یافته است: از دیدگاه هر سه نظام حقوقی جنین دارای شخصیت حقوقی مشروط شناخته شده و با دو شرط موجود بودن در هنگام ایجاد حق و زنده متولد شدن، از حق ارث بر خوردار می شود. موجود بودن جنین در زمان ایجاد حق، با اماره قانونی نسب، حد اقل و حد اکثر مدت حمل احراز می گردد، اقل مدت حمل در فقه امامیه شش ماه و در حقوق مصر و افغانستان نه ماه است. اکثر مدت حمل در فقه امامیه بر اساس رای مشهور نه ماه و از نگاه حقوق مصر و افغانستان یک سال است. جنین ناشی از تلقیح مصنوعی در صورتی که از ترکیب اسپرم و تخمک زوجین به وجود آمده باشد مثل جنین طبیعی همه احکام قرابت و آثار حقوقی جنین طبیعی بر آن مترتب است. جنین ناشی از تلقیح مصنوعی پس از فوت مورث، از ترکه مورث ارث نمی برد.

واژه های کلیدی: ارث جنین، ارث جنین در حقوق مصر و افغانستان، شرایط برخورداری جنین از ارث، ارث جنین در فقه امامیه، حقوق مالی جنین

مقدمه

انسان از نگاه جسمی و فیزیکی روند رشد و تکامل خویش را مرحله به مرحله طی می‌کند و از مرحله انعقاد نطفه و بالقوه بودن تا مرحله بزرگسالی و کهن سالی مراحل مختلفی زندگی را پشت سر می‌گذراند. اولین مرحله از وجود و حیات انسان، دوران جنینی (از زمان انعقاد نطفه تا زمان تولد) وی است که در اصطلاح به این مرحله از وجود انسان «حمل» و یا «جنین» اطلاق می‌شود.

افراد انسان همواره موضوع حق و تکلیف بوده است و در هر مرحله‌ای از حیات خود بر خوردار از حقوق و همچنین ملزم به انجام تکالیفی متناسب با شخصیت انسانی و حقوقی خویش می‌باشد. این یکی از اصول حاکم بر زندگی افراد انسان و روابط اجتماعی آنان است. جنین نیز به عنوان موجود انسانی بالقوه، یکی از اعضای جامعه بر خوردار از حقوق متناسب با شخصیت خویش می‌باشد؛ لیکن به لحاظ این که فاقد اراده است و توانایی به انجام کاری را ندارد، ملزم به انجام تکالیف نمی‌باشد. بررسی شخصیت و حقوق جنین به جهت نا پیدا بودن آن در انتظار تا حدودی مغفول مانده و سبب گردیده است کم‌تر ابعاد حقوقی آن به بررسی و تحلیل گرفته شود. دوران جنینی پایه و اساس مراحل تکاملی افراد انسان است و همه ابنای بشر ناگزیر به عبور از این مرحله می‌باشند؛ بنابراین لازم است، مسؤولیت‌های انسانی و حقوقی خود را در قبال آن انجام دهیم.

در حقوق در رابطه به آغاز و پایان شخصیت و اهلیت اشخاص این گونه گفته می‌شود که شخصیت حقوقی اشخاص با تولد آغا و با مرگ پایان می‌باید (قانون مدنی ایران، ماده ۹۵۶؛ ق. م. مصر، ۱۹۴۶م، ماده ۲۹؛ ق. م. افغانستان، ۱۳۵۵، ماده ۳۶)؛ بنابراین، این سوال مطرح است که جنین تا قبل از تولد از چه جایگاه حقوقی در فقه و حقوق بر خوردار است و آیا بر خوردار از حنین از حقوق مالی به رسمیت شناخته شده است یا خیر؛ با مراجعه به منابع و متون فقهی و قوانین می‌توان گفت جنین قبل از تولد نیز از حقوق مالی بر خوردار می‌گردد؛ البته با توجه به شرایطی که در این زمینه پیش بینی شده است. قانون مدنی ایران ماده ۹۵۷ مقرر می‌دارد: «حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد مشروط بر این که زنده متولد گردد.» قانون مدنی مصر بند ۲ ماده ۲۹ مقرر می‌دارد: «حقوق حمل را قانون خاص معین می‌کند». در قانون مدنی افغانستان بند ۲ ماده ۳۶ مقرر می‌دارد: «جنین دارای حقوقی می‌باشد که قانون بر آن تصریح نموده است».

از مفاد این مواد قانونی به دست می‌آید که جنین پیش از تولد از حقوقی بر خوردار است که در مواد این قوانین به آن اشاره رفته است لیکن کمیت و چگونگی بر خوردار از جنین از حقوق مالی و غیر مالی نیاز به بررسی و تحقیق دارد. در متون فقهی نیز این موضوع به گونه مستقل مورد بررسی قرار نگرفته؛ بلکه به مناسبت از حقوق ارث جنین تحت عنوان موانع حمل فقیهان به آن اشاره نموده‌اند. از سخنان فقیهان چنین بر می‌آید که جنین با شرط زنده متولد شدن می‌تواند مالی را از طریق نهاد ارث تملک نماید (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۴۷؛ خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۳۹۹؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۷۰؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۷۹).

بدین جهت تحقیق حاضر و با توجه به این که ارث یکی از نهادهای مهم فقهی و حقوقی می‌باشد و این نهاد به عنوان یکی از طرق تملک و تکسب اشخاص در فقه و حقوق مطرح است، با روش تطبیقی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای حق ارث و شرایط بر خوردار از جنین از آن را از دیدگاه فقه امامیه، حقوق مصر و افغانستان مورد بررسی قرار داده است و تلاش می‌کند پاسخ مناسب به این سؤال که جنین چه جایگاه حقوقی را در این نهاد مهم فقهی و حقوقی دارد و با چه شرایطی جنین از دیدگاه فقه امامیه، حقوق مصر و افغانستان از حق ارث بر خوردار می‌باشد؛ ارایه نماید.

۱. مفهوم جنین

در هر تحقیقی مفاهیم کلیدی و کاربردی نقش اساسی در تبیین درست و دقیق مباحث، ابعاد و زوایای آن تحقیق را دارد؛ زیرا ممکن است، مفهومی دارای معانی متعدد باشد که بایسته است به خاطر جلوگیری از سوء فهم، مقصود از هر مفهومی به صورت واضح و درست تبیین گردد. یکی از مفاهیم کلیدی در این تحقیق واژه جنین است؛ بنابراین بررسی این واژه از دیدگاه لغوی و اصطلاحی ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۱. جنین در لغت

واژه «جنین» از ریشه «جَنَ» در لغت به معنای چیزی است که از حواس و دید پوشیده و پنهان باشد. واژه جن در قرآن نیز به همین معنا به کار رفته است: «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا؛ هنگامی که تاریکی شب او را پوشانید، ستاره‌ای را مشاهده کرد» (انعام/۷۶). به قلب نیز «جَنَان» می‌گویند؛ چون در بدن مستور و پنهان است. جنین بر وزن فعلیل به معنای مفعول یعنی چیزی که از حواس مستور و پنهان گردید است. به طفلی که در شکم مادر است به جهت پنهان و مستور بودنش جنین می‌گویند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۰۳) کلمه «أَجْنَتْه» جمع واژه «جنین» که در قرآن کریم نیز به همین معنا استعمال شده است: «إِذْ أَنْتُمْ أَجْنَتْه فِی بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ؛ آن زمانی که در شکم مادر تان جنین بودید» (نجم/۳۲).

۲-۱. جنین در اصطلاح

در اصطلاح فقه و حقوق «جنین» به همان معنای لغوی به کار برده شده است. شهید ثانی در بیان مفهوم جنین می‌گوید «الجنین و هو الولد مادام فی البطن» (شهید ثانی، ۱۴۲۰ ق، ج ۸، ص ۲۱۱) یعنی بر بچه و فرزند تا زمانی که در شکم مادر است، جنین اطلاق می‌شود. در بیان شهید به گونه‌ی مطلق آمده و قید نشده است که از چه زمانی به بچه در شکم مادر، جنین گفته می‌شود؛ لیکن در کلام برخی فقیهان تقیید شده است که «حد اقل زمان تحقق حمل (جنین) بعد از مرحله مضغه است» (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳۲، ص ۲۵۴). براساس این دیدگاه بر نطفه و علقه که قبل از مرحله مضغه است، جنین اطلاق نمی‌شود؛ اما برخی فقیهان تصریح کرده‌اند که بر نطفه نیز جنین اطلاق می‌شود (طوسی، ۱۴۰۰ ق، ص ۷۷۸؛ حلی، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۳۲).

برخی از حقوق‌دانان جنین را این‌گونه تعریف نموده است: «جنین یا حمل عبارت است از بچه در رحم مادر که پس از آبستن شدن قابل تصور است، تا زمانی که نوزاد مولد شود» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰ ش، ج ۲، ص ۱۵۷۹). سید حسن امامی از جنین چنین تعریف ارائه نموده است: «حمل زمانی گفته می‌شود که منی وارد رحم زن شود و بین تخمه‌ی ذکور و تخمک انثا امتزاج حاصل گردد که آن را القاح نیز می‌گویند. لقاح بلافاصله پس از ورود منی در رحم حاصل نمی‌شود، بلکه مدتی لازم است تا امتزاج به‌وجود آید و گاهی اتفاق می‌افتد که تا حدود دو ساعت پس از نزدیکی انجام می‌گیرد» (امامی، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۵۱)؛ بنابراین جنین در اصلاح حقوق به همان معنای فقهی است.

در متون فقهی و حقوقی مرادف واژه «جنین» واژه «حمل» است که به طفل در شکم مادر از زمان انعقاد نطفه تا زمان تولد اطلاق می‌شود (شهید ثانی، پیشین، ج ۱۰، ص ۲۸۹؛ مروج، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۹۷) و به‌جای یکدیگر استعمال فراوان دارد. واژه حمل در معنای جنین، استعمال قرآنی نیز دارد. ^۱همچنان کلمه «حمل» نیز یکی دیگر از واژه‌های است که در متون فقهی به همین معنا به کار رفته است. در فقه بیش‌تر واژه «حمل» و «جنین» به کار رفته است که بر طفل در همه مراحل تکاملی از زمان انعقاد نطفه تا لحظه تولد اطلاق می‌شود.

۲. جنین ناشی از تلقیح مصنوعی و انواع آن

پیشرفت‌های دانش پزشکی در زمینه و عرصه‌های مختلف از جمله در زمینه باروری راه‌های جدید و نوینی را مطرح کرده است و برای افرادی که دچار مشکل فرزند آوری از طریق لقاح معمول و طبیعی می‌باشند، راه جدیدی را از طریق لقاح مصنوعی فراهم نموده است؛ لذا در دنیای امروز با انواع و اقسام مختلف جنین مواجه هستیم. این پدیده‌ها و مسایل جدید در عرصه دانش امروز مخصوصاً دانش پزشکی در طرح و مسائل جدید فقهی و حقوقی نیز بسیار تاثیرگذار بوده است، از جمله باروری از طریق تلقیح مصنوعی که مسائل جدید فقهی و حقوقی را به وجود آورده است؛ ولی تا هنوز در کشورهای اسلامی؛ مانند ایران، افغانستان و مصر در این مورد قانون وضع نگردیده است. با توجه به این‌که موضوع این تحقیق حق ارث جنین از دیدگاه فقه امامیه، حقوق مصر و افغانستان است، در این‌جا بر آن شدم تا در رابطه به جنین ناشی از تلقیح مصنوعی؛ تعریف و انواع آن بپردازم و به این موضوع بیش‌تر وضاحت داده شود که حق ارث شامل کدام نوع از انواع جنین می‌گردد و دیدگاه

^۱ «ان کُنْ أُولَیِّ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَیْهِنَّ حَتَّى یَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» طلاق/۶.

هریک از نظام های حقوقی فوق الذکر در مسأله حق ارث نسبت به انواع جنین چیست؛ کدام نوع از انواع جنین ناشی از تلقیح مصنوعی را در مسأله ارث به رسمیت شناخته است؛ بنابراین نخست به تعریف و انواع جنین ناشی از تلقیح مصنوعی پرداخته اشاره می گردد.

۱-۲. تعریف تلقیح مصنوعی

تلقیح مصنوعی یا همان باروری زن از طریق غیر طبیعی و مواقعه، شکل های مختلفی دارد؛ ولی به صورت اجمال و کوتاه می توان این گونه تعریف کرد: «آمیختن اسپرم مرد و تخمک زن در رحم زن یا خارج رحم به کمک ابزار پزشکی و بدون نزدیکی طبیعی» (رضا نیا معلم، ۱۳۸۳ش، ص ۹). چنان که گفته شد، این روش به خاطر این است که گاهی برخی زوجها به جهت مشکلاتی که دارند به گونه ی طبیعی نمی توانند دارای فرزند شوند و ممکن است اسپرم و تخمک قابلیت باروری را داشته باشد؛ اما به دلایل و مشکلات دیگری که وجود دارد لقاح ممکن نیست، در این صورت برای لقاح از وسیله های پزشکی کمک گرفته می شود که گونه ها و شکل های مختلفی دارد.

۲-۲. شکل های مختلف تلقیح مصنوعی

در یک تقسیم می توان تلقیح مصنوعی را به دو دسته کلی: تلقیح مصنوعی همگون و تلقیح مصنوعی غیر همگون دسته بندی کرد.

۱-۲-۲. تلقیح مصنوعی همگون

مقصود از این نوع تلقیح؛ ترکیب اسپرم مرد با تخمک همسر قانونی وی است که در این نوع تلقیح مصنوعی، مرد قادر به تولید اسپرم است؛ اما به دلایل مختلف، عیوبی که در انتقال اسپرم از طریق طبیعی در ارگان های مختلف زن یا مرد و یا این که مشکل در رحم همسر برای پرورش نطفه وجود دارد، باروری طبیعی امکان پذیر نیست؛ ولی از طریق تلقیح مصنوعی امکان پذیر می باشد و این خود شکل های مختلفی دارد؛ مانند: ۱- تلقیح مصنوعی اسپرم و تخمک زن در داخل رحم همسر؛ ۲- تلقیح مصنوعی اسپرم مرد و تخمک زن در خارج رحم سپس انتقال آن به رحم همسر؛ ۳- تلقیح اسپرم مرد با تخمک همسر در خارج رحم و انتقال آن به رحم غیر همسر؛ ۴- تلقیح اسپرم مرد و تخمک همسر و پرورش کامل آن در دستگاه و خارج رحم که طفل متولد از آن را جنین آزمایشگاهی می نامند.

۲-۲-۲. تلقیح مصنوعی نا همگون

در تکرار یافتن طفل سه عنصر نقش دارد: اسپرم، تخمک و رحم. در تلقیح مصنوعی ناهمگون تلقیح و ترکیب بین اسپرم و تخمک غیر زوجین و دو شخص بیگانه صورت می گیرد. تلقیح ناهمگون نیز فرض های مختلفی دارد؛ مانند: ۱- تلقیح با اسپرم غیر شوهر؛ در صورتی که زوج با دارا بودن علل ناباروری مردانه مثل عقیم بودن مرد، از روش های درمانی نتیجه موفقیت آمیزی کسب نکرده باشند، زوجین به این روش درمانی روی می آورند. ۲- تلقیح با تخمک غیر همسر؛ این روش در صورتی تحقق پیدا می کند که زوج به رغم داشتن رحم سالم اصلاً تخمک ندارد یا تخمک دارد لیکن به دلیل چسبندگی لگنی، آزاد شدن، یا برداشت آن ممکن نیست و یا اختلال ژنتیکی اتوزوم غالب وجود دارد. ۳- تلقیح اسپرم مرد با تخمک غیر همسر و انتقال آن به رحم همسر.

در این قسمت برخی از اشکال و اقسام تلقیح مصنوعی را جهت روشن شدن موضوع ذکر نمودیم و ممکن موارد و اقسام بیشتری را داشته باشد که از بیان و پرداختن به آن خود داری می گردد؛ چون بحث خارج از موضوع می شود.

۳. حق ارث جنین

با توجه به این که جنین یک موجود بالقوه انسانی است و وجود مستقل از مادر ندارد، دارای شخصیت و اهلیت حقوقی مشروط می باشد و از استقلال وجودی و کمال اهلیت برخوردار نیست، در فقه و حقوق شرایط ویژه ای برای برخورداری جنین از حقوق مخصوصاً در مورد ارث ذکر شده است که در ادامه به آن پرداخته می شود؛ لیکن پیش از آن به گونه اجمال به ارکان و شرایط کلی تحقق ارث که در مباحث فقهی و حقوقی مطرح است، اشاره می گردد.

۱-۳. ارکان ارث

مقصود از ارکان آن چیزی است که در تحقق ماهیت و حقیقت «ارث» نقش دارد و بدون آن تصور ارث ممکن نیست. برای ارث سه رکن وجود دارد: ۱- مورث؛ ۲- وارث؛ ۳- موروث. (امامی، پیشین، ج ۳، ص ۱۷۹؛ قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان، ماده ۱۹۷)

مورث: کسی که به خاطر مرگ حقیقی یا حکمی او، مال و حق از او منتقل می شود. وارث: کسی که مال و حق از مورث به او منتقل می شود، چه او شخصی حقیقی باشد؛ مانند وارثان نسبی و سببی یا شخص حکمی باشد؛ مانند امام علیه السلام و بیت المال مسلمین که از نگاه فقه امامیه، امام وارث من لا وارث له است. موروث: عبارت است از اموال و حقوقی که از ترکه مورث به وارث منتقل می شود که شامل حقوق مالی و شخصی متوفی می باشد (هاشمی شاهرودی و دیگران، ۱۴۲۳، ج ۹، ص ۲۹).

۲-۳. شرایط ارث

در تحقق ارث علاوه بر ارکان، موجود بودن شرایط نیز لازم است. شرایط ارث عبارت است از: ۱- موت مورث؛ ۲- حیات داشتن وارث در حین موت مورث؛ ۳- موجود بودن ترکه. در ادامه به تبیین هرکدام پرداخته می شود. الف. موت مورث: یکی از شرایط توارث، موت مورث است و ارث بردن خویشاوندان نسبی و یا سببی مورث بعد از مرگ او فعلیت و جریان پیدا می کند. چنان که فقیهان در تعریف ارث گفته اند: ارث حقی است که بعد از فوت حقیقی یا حکمی یک شخص، به شخص زنده حقیقی یا حکمی دیگر ابتدائاً منتقل می شود. (نراقی، بی تا، ج ۱۹، ص ۷؛ الزحیلی، ۱۴۰۵، ج ۸، ص ۲۴۳) در قانون موارث مصر نیز مقرر می دارد: «وارث به خاطر فوت مورث یا این که قاضی حکم به فوت او کرده باشد مستحق ارث شناخته می شود». (قانون الموارث المصری، ۱۹۴۳، ماده ۱) در ماده (۱۹۹۴) قانون مدنی افغانستان نیز عین همین ماده قانونی مصر آمده است: «استحقاق ارث به مرگ مورث یا به اعتبار این که به حکم قاضی مرده شمرده شده، تحقق می یابد». بنابراین اموال شخصی که حیات دارد به خود او تعلق دارد و هرگونه تصرف می تواند در آن انجام دهد، ولی با فوت او اموال وی متعلق حق وارثین قرار می گیرد.

از نگاه فقه و همچنین حقوق مصر و افغانستان مرگ مورث تنها اختصاص به مرگ حقیقی ندارد؛ بلکه شامل مرگ حکمی نیز می شود؛ یعنی اگر از طرف قاضی با صلاحیت به مرگ کسی حکم شود اموال و دارای او متعلق حق وراثت قرار می گیرد.

مرگ حقیقی: عبارت است از ازهاق روح از بدن و پایان یافتن فعالیت ها و اعمال حیاتی کلیه ارکان زنده ی بدن. (امامی، پیشین، ج ۳، ص ۱۷۹)

مرگ حکمی: در صورتی که مرگ کسی مسلم نباشد برای پایان دان به وضعیت حقوقی، موت او فرض می شود. مرگ فرضی در رابطه مفقود الاثر مصداق پیدا می کند که مدتی مدیدی از غایب بودن او گذشته باشد و از مرده و زنده بودنش، هیچ خبر و اطلاع در دست نباشد، رسیدگی و صدور حکم مرگ حکمی توسط دادگاه انجام می شود. (همان) البته از دیدگاه فقه برای انسان مرتد نیز حکم مرگ فرضی صادر می شود و بعد از حکم به مرگ وی، اموال او وراثت تعلق می گیرد (نراقی، پیشین، ج ۱۹، ص ۷؛ حسینی عاملی، بی تا، ج ۸، ص ۴؛ الزحیلی، پیشین، ص ۲۵۳).

ب. زنده بودن وارث هنگام فوت مورث: یکی از شرایط وراثت موجود بودن و حیات داشتن وارث هنگام فوت مورث است «زیرا ارث انتقال قهری مال از متوفی به وارث می باشد و بدون وجود منتقل الیه انتقال حاصل نمی گردد» (امامی، پیشین، ص ۱۸۶). قانون گذار مصر در ماده دوم قانون موارث مصر تاکید می کند: «برای استحقاق ارث، زنده بودن وارث هنگام مرگ مورث یا هنگامی که حکم به مرگ حکمی او می شود لازم است». در قانون مدنی افغانستان ماده ۱۹۹۵ نیز در این رابطه شبیه همین مواد قانونی مصر آمده است: «برای تثبیت استحقاق ارث، تحقق حیات حقیقی، یا حکمی وارث هنگام مرگ مورث یا هنگام صدور حکم به مرگ مورث، حتمی شمرده می شود». قانون گذار افغانستان در این ماده حیات حکمی را که شامل جنین می شود نیز افزوده است و از این جهت با قانون مصر تفاوت دارد.

۳-۳. شرایط برخورداری جنین از ارث

آنچه به صورت کلی به عنوان شرایط برخورداری جنین از ارث در فقه بیان شده، دو چیز است:

۱- وجود حمل هنگام فوت مورث؛

۲- زنده متولد شدن جنین.

۳-۱. وجود جنین هنگام فوت مورث

از دیدگاه فقه امامیه و حقوق یکی از شرایط برخورداری جنین از حق ارث، موجود بودن وی در زمان وفات مورث یا ایجاد حق است. زنده بودن حمل و این که در هنگام فوت مورث، روح انسانی در او دمیده شده باشد شرط نیست؛ بلکه اگر در زمان فوت مورث نطفه جنین انعقاد یافته باشد، در ارث بردن کافی است (شهید ثانی، پیشین، ج ۸، ص ۴۷؛ نجفی، پیشین، ۱۴۰۴، ج ۳۹، ص ۷۲). باتوجه به نامحسوس بودن زمان انعقاد نطفه در رحم مادر این احتمال وجود دارد که جنین بعد از زمان مرگ مورث انعقاد یافته باشد، در فقه و حقوق در صورت تردید در وجود حمل هنگام مرگ مورث، برای اثبات آن دو چیز معیار قرار گرفته است:

۱- تولد یافتن حمل در کمتر از شش ماه از هنگام مرگ مورث؛ این معیار از این جهت است که در فقه اسلامی به اتفاق مذاهب، حد اقل مدت حمل و بارداری شش ماه است (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۴، ص ۴۳۲؛ شهیدثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۳، ص ۲۶۱؛ شهید ثانی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۴۸؛ نجفی، پیشین، ج ۳۹، ص ۷۲؛ الزحیلی، ۱۴۰۵، ج ۸، ص ۴۱۱) و طفل در کمتر از شش ماه زنده به دنیا نمی آید؛ بنابراین با تولد جنین به صورت زنده در مدت کمتر از شش ماه از فوت مورث، وجود حمل در هنگام مرگ مورث احراز می گردد.

۲- تولد یافتن جنین در زمان بیشترین مدت حمل (نه ماه تا یکسال)؛ این اماره برای آن موردی است که همسر شخص متوفی ازدواج مجدد نکرده باشد و یا مادر جنین از هنگام مرگ شخص متوفی تا زمان تولد طفل به شوهر قانونی دسترسی نداشته باشد، در این صورت با تولد طفل در مدتی که از حد اکثر حمل تجاوز نکند، نسب جنین نسبت به مورث و همچنین وجود آن در هنگام فوت مورث ثابت گردیده و جنین مستحق ارث می شود (شهید ثانی، پیشین، ص ۴۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۳، ص ۴۳۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۳، ص ۲۶۱؛ نجفی، پیشین؛ الزحیلی، پیشین)

در قانون مصر و افغانستان شرط موجود بودن جنین به گونه صریح ذکر نشده است، به نظر می رسد اصل این شرط از نگاه قانون گذاران هردو کشور فوق الذکر مسلم بوده؛ لیکن به بیان اماره قانونی که کاشف از موجود بودن جنین در هنگام مرگ مورث است، اشاره نموده اند. در ماده ۴۳ قانون مواریث، قانون گذار مصر مقرر می دارد: «هرگاه شخصی بمیرد زوجه یا زن معتده متوفی بعد از مرگ او زنده باشد، جنین او در صورتی مستحق ارث شناخته می شود که حد اکثر در مدت (۳۶۵) روز (یکسال) از تاریخ فوت یا جدایی، زنده متولد شود». در بند دو این ماده نیز بیان می کند: «حداکثر، جنین در خلال مدت (۲۷۰) روز از تاریخ وفات مورث زنده متولد گردد، در صورتی که رابطه زوجیت بین پدر و مادر هنگام وفات پدر قائم باشد» مستحق ارث می باشد. قانون مدنی افغانستان در ماده ۲۰۵۴ عین همین ماده قانونی مصر را آورده است؛ بنابراین از دیدگاه فقه و حقوق مصر و افغانستان با یکی از این دوره یعنی کمترین و بیشترین مدت حمل، موجود بودن جنین در هنگام مرگ مورث ثابت می شود. در رابطه به حد اکثر مدت حمل بین فقیهان مذاهب اسلامی اتفاق نظر وجود ندارد، در میان فقیهان امامیه در خصوص بیشترین مدت حمل، سه دیدگاه (نه ماه، ده ماه و نهایت یکسال) دیده می شود (شهید ثانی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۴۳۲) و نظر مشهور از دید فقه امامیه بیشترین مدت بارداری نه ماه می باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۳۷۴؛ نجفی، پیشین، ج ۳۱، ص ۲۲۴). اما مذاهب دیگر مثل مالیکه پنج سال، شافعی و حنابله چهار سال، حنفیه دو سال و ظاهریه نه ماه را حد اکثر مدت حمل ذکر کرده اند (الزحیلی، پیشین).

با این که منبع قوانین مصر و افغانستان فقه حنفی و تابع آن می باشد؛ ولی در این مورد از فقه حنفی پیروی نکرده است، از دیدگاه فقه حنفی حد اکثر مدت حمل دو سال است. به گفته وهبه الزحیلی این ماده قانون مصر برگرفته شده از نظر

پزشکان است (الزحیلی، پیشین، ج ۸، ص ۴۱۱)؛ بنابراین می توان گفت دیدگاه فقه امامیه با واقعیت خارجی و نظر پزشکان موافق است.

دیدگاه قانون مصر و افغانستان در اقل مدت حمل هم با فقه امامیه و هم با فقه حنفی متفاوت است با این که در کمترین مدت حمل، فقه حنفی و اکثر مذاهب اسلامی به شش ماه اتفاق نظر دارند (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۴، ص ۴۳۲؛ شهید ثانی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۴۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۳، ص ۲۶۱؛ نجفی، پیشین، ج ۳۹، ص ۷۲؛ الزحیلی، پیشین)؛ اما قانون گذار مصر از آن پیروی نکرده و اقل مدت حمل را نه ماه بیان کرده است شاید قانون گذار مصر در این مورد اغلب را مبنا قرار داده چون اغلب زنان در مدت نه ماه وضع حمل می کند نه پیش از آن.

۲-۳-۳. زنده متولد شدن جنین

یکی از شرایط بر خورداری جنین از ارث، زنده متولد شدن وی است، در فقه امامیه به اتفاق همه فقیهان در وراثت جنین علاوه بر موجود بودن آن در زمان مرگ مورث، زنده متولد شدن آن نیز لازم است. البته استقرار و بقای حیات بعد از آن که زنده متولد شود، از دیدگاه اکثر فقیهان شرط نیست، همین که طفل زنده متولد شود و فوراً از دنیا برود ارث را مستحق می شود (طوسی، ۱۳۸۷ش، ج ۴، ص ۱۲۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، نجفی، پیشین، ج ۳۹، ص ۷۰؛ نراقی، بی تا، ج ۱۹، ص ۱۰۸)؛ البته شرط است که در هنگام خارج شدن همه اعضای بدن جنین و بعد از کامل یافتن تولد، جنین زنده باشد (نجفی، پیشین، ص ۷۱، شهید ثانی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۴۱۰). بر خلاف برخی از فقیهان اهل سنت از جمله ابی حنیفه که معتقداند که اگر در هنگام خارج شدن اکثر بدن، جنین زنده باشد، مستحق ارث می شود (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۱؛ الزحیلی، پیشین، ج ۸، ص ۴۱۰). گرچه از کلام برخی فقیهان امامیه استفاده می شود که استقرار حیات را برای جنین در استحقاق ارث لازم می داند؛ یعنی اگر جنین بعد از تولد فوراً از بین برود و قابلیت بقا برای زنده ماندن را نداشته باشد، مستحق ارث نمی شود (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۱۲۴). از دیدگاه قانون مصر (قانون موارث، م ۴۳) و افغانستان زنده متولد شدن جنین شرط است ولی در قانون مدنی افغانستان تصریح شده است که اگر جنین تا هنگام خارج شدن اکثر اعضای بدن زنده باشد نیز مستحق ارث می باشد (م ۲۰۵۳) که ازین جهت با فقه امامیه تفاوت دارد و از فقه حنفی پیروی نموده است و براساس این ماده قانونی اگر جنین در هنگام تولد تا خروج اکثر بدن از رحم مادر زنده باشد، حتا اگر زمانی که تمام اعضای بدن خارج می شود زنده نباشد، مستحق شناخته می شود.

برای این که ثابت شود جنین در هنگام تولد و خارج شدن از شکم مادر زنده بوده است یا خیر؛ حرکت دادن اعضای جنین در هنگام تولد به عنوان ملاک و معیار زنده بودن ذکر شده است که اگر جنین در این هنگام یکی از اعضای بدنش را حرکت دهد که نشان دهنده حیات وی باشد؛ یعنی حرکت که ناشی از اراده باشد، زنده بودن او ثابت می شود (نراقی، پیشین، ج ۱۹، ص ۱۰۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۴، ص ۴۳۰؛ شهید ثانی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۴۷). ممکن است منظور قانون گذار افغانستان از قید «فعال متولد شدن» جنین که در ماده (۲۰۵۳) به آن اشاره نموده، همین موضوع باشد که جنین باید در هنگام تولد حرکاتی که حاکی از زنده متولد شدن آن است از خود نشان دهد تا زنده بودن وی ثابت گردد. از کلام برخی فقیهان استفاده می شود که استقرار حیات را برای جنین در استحقاق ارث لازم می داند؛ یعنی اگر جنین بعد از تولد فوراً از بین برود و قابلیت بقا برای زنده ماندن را نداشته باشد، مستحق ارث نمی شود (طوسی، پیشین، ج ۴، ص ۱۲۴).

۲-۳-۲. چگونگی تامین حق ارث جنین

جنین از نگاه فقه امامیه، حقوق مصر و افغانستان با در نظر گرفتن شرایطی که بیان شد، با مرگ مورث مستحق ارث می گردد. با توجه به این که عدد و جنسیت جنین هنوز معلوم نیست و برای این که حق جنین پس از وفات مورث ضایع نشود و از تلف شدن محفوظ بماند، راهکاری برای آن در نظر گرفته شده است.

۳-۲-۱. عدم تقسیم ترکه متوفی تا زمان تولد جنین

نگهداری از ترکه متوفی و عدم تقسیم آن میان وارثین در صورتی است که جنین در فرض زنده متولد شدن، مانع از ارث بردن همه و یا برخی وارثین دیگر باشد. در این صورت تا زمانی که سرنوشت جنین مشخص نشده که آیا زنده متولد می شود یا خیر ترکه متوفی تقسیم نمی شود که شامل دو حالت زیر می باشد:

۱- جنین مانع از ارث بردن همه وراث باشد؛ مانند این که شخص متوفی دارای برادر و خواهر باشد و همسرش که با عقد موقت با او ازدواج کرده، حامله باشد. بنابراین اگر جنین زنده متولد شود او تنها وارث شخص متوفی در طبقه نخست ارث قرار دارد و بر دیگران مانند برادر و خواهر شخص متوفی که در طبقه دوم قرار دارند مقدم است.

۲- جنین مانع از ارث بردن برخی وراث متوفی باشد؛ مانند این که ورثه متوفی زجه، اعمام و احوال باشند و زوجه به عقد دائم او حامله باشد که در فرض زنده متولد شدن جنین مانع از ارث بردن اعمام و احوال متوفی که در طبقه سوم قرار دارند می شود و جنین با زوجه ارث می برند چون زوجه با هر سه طبقه ارث، در حق ارث شریک است (نجفی، پیشین، ج ۳۹، ص ۷۳؛ خمینی، پیشین، ج ۲، ص ۴۰۰).

۳-۲-۲. تقسیم ترکه قبل از تولد جنین

در صورتی که جنین مانع از ارث بردن هیچ یک از وارثان دیگر نباشد؛ مانند این که وارثان متوفی چند فرزند و همسر دائم او و همین جنین باشند، در این صورت، ورثه می توانند ترکه متوفی را بین شان تقسیم کنند. از دید فقه امامیه به اندازه سهم دو پسر سهم جنین را باقی بگذارند؛ برای این که احتمال دارد جنین دوقلو و پسر باشد. بعد از آن که جنین متولد شد اگر جنین دو قلو و هردو پسر بودند به حق قانونی خودشان رسیده اند و اگر یک پسر یا یک دختر یا دو دختر و یا یک پسر و یک دختر باشند، باقی مانده از سهم آنان به وارثان تقسیم می گردد. همچنین در صورتی که جنین مرده متولد شود، سهمی که برای جنین در نظر گرفته شده بود برای دیگر وارثان بر می گردد. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۱۲؛ شهید ثانی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۴۷؛ نجفی، پیشین، ج ۳۹، ص ۷۳؛ خمینی، پیشین، ص ۴۰۰). به هر حال در صورتی که جنین مانع از ارث بردن دیگر وارثان نباشد و بخواهند ترکه را تقسیم کنند، باید برای جنین دو سهم پسر را باقی بگذارند.

حقوق مصر و افغانستان در نحوه تقسیم ترکه میت و چگونگی تامین سهم جنین و در مقدار سهمی که برای جنین باقی گذاشته می شود از فقه حنفی پیروی کرده است. در صورتی که جنین مانع از ارث بردن سایر وارثان متوفی نباشد و در ارث بردن با آن ها شریک باشند به اندازه یک سهم، سهم پسر یا دختر هر کدام که بیشترین سهم را داشته باشند کنار گذاشته می شود. قانون مواریث مصر در ماده (۴۲) تصریح می کند: «از ترکه متوفی برای حمل از سهم پسر و دختر هر کدام بیشتر باشد یکی کنار گذاشته می شود». یعنی بررسی شود که در اموال متوفی جنین پسر باشد بیشترین سهم را می برد یا دختر هر کدام بیشترین سهم را دارند به همان اندازه باقی گذاشته می شود.

قانون مدنی افغانستان در ماده (۲۰۵۲) مقرر می دارد: «هرگاه حمل با سایر ورثه شرکت نماید یا باعث حجب نقصان ورثه شود، حصه یک پسر یا یک دختر هر یکی که بیشتر باشد به او گذاشته می شود...». در این مورد حقوق مصر و افغانستان با فقه امامیه متفاوت است؛ چون بر اساس فقه امامیه در این فرض که تعداد و جنسیت جنین معلوم نباشد به اندازه دو سهم پسر که بیشترین سهم است باقی گذاشته می شود.

برای این که احتمال دو قلو بودن جنین و همچنین احتمال در تغییر جنسیت او وجود دارد و براساس دیدگاه قانون مصر و افغانستان چون به اندازه یک سهم باقی گذاشته می شود، احتمال در نقیصه و زیادی سهم جنین نیز وجود دارد. بعد از تولد با مشخص شدن عدد و جنسیت او اگر سهم او کمتر از دیگران باشد باید به دیگر ورثه مراجعه کند، همچنین اگر بیشتر از سهم او باشد باید به دیگر ورثه بر گردانده شود (قانون المواریث، ماده ۴۴؛ قانون مدنی افغانستان، م ۲۵۵).

قانون احوال شخصیه شیعیان در این مورد از فقه امامیه پیروی کرده است. قانون گذار در فقره شش ماده (۱۹۷) مقرر می دارد: «هرگاه حمل، حاجب ارث ورثه نباشد با در نظر داشت جنسیت و تعداد آن، سهم حمل از ترکه جدا می گردد، در صورت عدم امکان تعیین جنس و تعداد آن، سهم حمل به اندازه سهم الارث دو اولاد ذکور از ترکه جدا می شود». از نظر

قانون‌گذار کنار گذاشتن به اندازه دو سهم پسر، برای جنین در صورتی است که امکان تعیین تعداد و جنسیت جنین وجود نداشته باشد و اگر قبل و از پیش تولد، جنسیت و تعداد جنین از راه آزمایش‌ها و ابزار پزشکی امکان داشته باشد با در نظر داشت جنسیت و تعداد جنین سهم او کنار گذاشته می‌شود و لازم نیست علی‌رغم مشخص بودن تعداد و جنسیت جنین به اندازه دو سهم فرزند پسر کنار گذاشته شود.

به نظر می‌رسد نگهداشتن دو سهم پسر از دیدگاه فقه امامیه یا بیش‌ترین سهم از دیدگاه حقوق مصر و افغانستان برای جنین موضوعیت ندارد؛ بلکه یک راهکار احتیاطی برای محفوظ ماندن حق جنین است؛ بنابراین در عصر حاضر که راهی برای تشخیص تعداد و جنسیت جنین قبل از تولد وجود دارد اگر با به‌کارگیری از ابزار پزشکی در تعیین تعداد و جنسیت جنین اطمینان آور باشد، ضرورتی برای باقی گذاشتن دو سهم به نظر نمی‌رسد. چنان‌که برخی از فقیهان معاصر معتقدند که می‌توان برای مشخص کردن دو قولو یا پسر و دختر بودن جنین از ابزار و وسیله‌های روز پزشکی کارگرفت، تا در نتیجه سهم او را از ارث معین کند و لازم نیست برای او به اندازه دو سهم پسر باقی گذاشته شود (خمینی، پیشین؛ بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۹۵۳).

۳-۳. ارث جنین ناشی از تلقیح مصنوعی

جنین ناشی از تلقیح مصنوعی که یک پدیده جدید و نو در مسائل فقهی و حقوقی است و در منابع فقهی و حقوقی پیشین مطرح نشده است و در بسیاری از کشورهای اسلامی تاکنون قانونی در این موضوع به تدوین و تصویب نرسیده است. با توجه به این‌که تلقیح مصنوعی دارای انواع و شکل‌های مختلفی می‌باشد دیدگاه فقیهان و اندیشمندان معاصر اسلامی در رابطه به وضعیت حقوقی جنین ناشی از تلقیح مصنوعی نیز متفاوت‌اند. در این قسمت خلاصه‌ای آرا و دیدگاه‌های فقیهان و دانشمندان را به جهت روشن شدن موضوع ذکر می‌نمایم.

به صورت کلی حکم وضعی جنین را از دیدگاه فقیهان امامیه و صاحب نظران در حقوق، می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

۱- تلقیح میان زوجین یعنی ترکیب میان اسپرم مرد و تخمک همسر قانونی او صورت گرفته باشد، از دیدگاه قریب به اتفاق فقیهان امامیه جنین ناشی از این نوع با همه انواع و اشکال آن حتا جنینی که بعد از ترکیب اسپرم و تخمک در دستگاه رشد تکامل پیدا می‌کند، ملحق به پدر و مادر است، همه احکام قرابت از جمله حکم توارث میان آنان ثابت است (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۵، ص ۲۴۸؛ تبریزی، ۱۴۲۶، ص ۴۴۲؛ قمی، ۱۴۱۵، ص ۹۲؛ خمینی، پیشین، ص ۶۶۳؛ منتظری، ۱۳۸۴، ص ۴۰۴؛ بنی‌هاشمی خمینی، پیشین، ص ۱۰۹۱ و ۱۰۹۲).

۲- تلقیح میان مرد و زن اجنبی در این صورت دیدگاه فقیهان به دو دسته تقسیم می‌شود: برخی از فقیهان و صاحب نظران حقوق، در این صورت مثل صورت قبلی گرچه نفس عمل تلقیح را جایز نمی‌دانند؛ اما در رابطه به حکم وضعی قائل‌اند که جنین ملحق به صاحب اسپرم است و همه احکام وضعی از جمله ارث بردن میان آنان ثابت است (روحانی، ۱۴۳۵، ج ۳، ص ۵۱۰؛ تبریزی، پیشین، ج ۱، ۴۴۱؛ شهیدی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۲). برخی از فقیهان و اندیشمندان حقوق این‌گونه تفصیل داده‌اند: اگر تلقیح با علم و آگاهی طرفین صورت گرفته باشد جنین حکم ولد زنا را دارد و ارث نمی‌برد؛ اما اگر طرفین جاهل به موضوع باشد در این صورت، حکم وطی به شبهه را دارد جنین ملحق به صاحب اسپرم است و از یکدیگر ارث می‌برند (خمینی، پیشین، ص ۶۶۳؛ بنی‌هاشمی خمینی، پیشین، ص ۱۰۹۴؛ نوری همدانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۴۸).

۳- تلقیح مصنوعی بعد از فوت مورث انجام شود، به این صورت که اسپرم مرد بعد از فوتش با تخمک زنی که در زمان حیاتش همسر او بوده ترکیب و تلقیح شود، این جنین گرچه به صاحب اسپرم ملحق است؛ ولی از صاحب اسپرم ارث نمی‌برد، به دلیل این‌که شرط موجود بودن وارث در زمان مرگ مورث نسبت به او محقق نمی‌باشد (سبزواری، پیشین، ج ۳۰، ص ۳۲۷؛ سیستانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۶۲؛ کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳).

در رابطه به تلقیح مصنوعی در حقوق مصر و افغانستان قانونی وجود ندارد؛ لیکن با توجه به این‌که منبع قانون‌گذاری در این دو کشور فقه اهل سنت است به دیدگاه علمای اهل سنت اشاره می‌گردد. در رابطه به تلقیح مصنوعی با توجه به

گونه‌های مختلف آن فقیهان اهل سنت دیدگاه‌های متفاوت دارند؛ ولی در مجموع نگاه سخت‌گیرانه‌تری نسبت به موضوع دارند و به‌طور کلی می‌توان گفت اکثر فقیهان اهل سنت تلقیح میان زوجین را در صورت ضرورت و ناچاری مجاز می‌دانند و طفل متولد از آن نیز مشروع است و حکم به ثبوت توارث می‌کنند؛ اما تلقیح اسپرم میان مرد و زن اجنبی غیر از همسر را با همه شکل‌های مختلف آن جایز نمی‌دانند و طفل متولد از آن را در حکم ولد زنا می‌دانند (دارالافتاء المصریه، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۳۶؛ شلتوت، پیشین، ص ۳۲۸)؛ لذا طفل از صاحب اسپرم ارث نمی‌برد.

نتیجه‌گیری

نوشته حاضر با موضوع «حقوق مدنی جنین از دیدگاه فقه امامیه، حقوق مصر و افغانستان» پس از بررسی و تحلیل آراء فقیهان و منابع حقوق مصر و افغانستان به نتایج زیر دسته یافته است:

۱- جنین از دیدگاه فقه امامیه و دو نظام حقوقی مذکور از زمان انعقاد نطفه دارای اهلیت و شخصیت حقوقی شناخته شده؛ البته برخورداری جنین از حقوق مدنی مالی مانند ارث مشروط به موجود بودن آن در زمان تحقق واقعه یا عمل حقوقی و همچنین زنده متولد شدن وی است. شرط موجود بودن جنین در زمان ایجاد حق، توسط اماره قانونی نسب حد اقل و حد اکثر مدت حمل قابل اثبات است. حد اقل مدت حمل در فقه امامیه شش ماه و در حقوق مصر و افغانستان نه ماه است. حد اکثر مدت حمل در فقه امامیه بر اساس رای مشهور نه ماه است و از نگاه حقوق مصر و افغانستان یک سال است.

۲- یکی از حقوق مالی جنین برخورداری جنین از ارث است که براساس فقه امامیه همچنین حقوق مصر و افغانستان جنین با شرط موجود بودن در زمان وفات مورث و زنده متولد شدن از آن برخوردار می‌شود. در صورتی که جنین با فرض زنده متولد شدن تنها وارث میت باشد مانند این که وارث طبقه اول میت فقط جنین باشد و یا در صورتی که مانع از ارث بردن برخی وارثان میت شود ترکیه میت تا زمان تولد جنین تقسیم نمی‌شود؛ اگر جنین زنده متولد شد ارث را مستحق می‌شود و اگر زنده متولد نشد میان دیگر وارث تقسیم می‌شود. اگر جنین مانع از ارث بردن دیگر وارث نباشد؛ بلکه در کنار دیگر وارثان قرار داشته باشد از نظر فقه امامیه دو سهم پسر برای جنین و از نظر حقوق مصر و افغانستان یک سهم پسر برای جنین در نظر گرفته می‌شود و باقی ترکیه میت میان وارث تقسیم می‌گردد. البته در نظر گرفتن دو سهم پسر از دیدگاه فقه امامیه و یا یک سهم پسر از دیدگاه حقوق مصر و افغانستان موضوعیت ندارد؛ تنها یک راهکار احتیاطی برای حفظ حقوق جنین است؛ بنابراین اگر با وسایل پزشکی جنسیت و تعداد جنین مشخص شود به همان اندازه سهم معین خودش مستحق ارث است و برایش حفظ می‌شود و باقی ترکیه میت میان وارثان تقسیم می‌گردد.

۳- جنین ناشی از تلقیح مصنوعی دارای صورت‌های مختلفی می‌باشد که برخی آن‌ها از نظر اثر وضعی و حقوقی باهم متفاوت است. به صورت کلی تلقیح مصنوعی میان اسپرم مرد و زنی که باهم علقه زوجیت دارند از نگاه حکم تکلیفی جایز است و به تبع آن از لحاظ حکم وضعی نیز مانند جنین طبیعی می‌باشد همه آثار وضعی و حقوقی را دارند، نسبت جنین با والدین مانند نسبت جنین طبیعی است. در تلقیح مصنوعی میان زن و مرد بیگانه میان فقیهان و اندیشمندان اختلاف دیدگاه وجود دارد؛ برخی از فقیهان جنین را در احکام و آثار وضعی ملحق به صاحب اسپرم و تخمک می‌کند و در حالی که برخی دیگر میان صورت علم و جهل مرد و زن به عمل تلقیح قائل به تفصیل گردیده است.

منابع

قرآن کریم

۱. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
۲. بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، قم، چ اول، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۲ ش.
۳. تبریزی، جواد، منهاج الصالحین، قم، مدین، ۱۴۲۶ ق.

۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مقدمه عمومی علم حقوق، تهران، چ ششم، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۰ش.
۵. حسینی عاملی، محمد جواد، مفتاح الکرامه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۶. حلی، ابن ادریس، موسوعه ابن ادریس حلی، قم، دلیل ما، ۱۳۸۷ ش.
۷. خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲ ش.
۸. دار الافتاء المصریه، الفتاوی الاسلامیه، قاهره، چ دوم، بی نا، ۱۴۱۸ ق/ ۱۹۹۷ م.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، چ اول، دارالشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۱۰. رضانیا معلم، محمد رضا، بارور های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق، قم، چ اول، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۳ش.
۱۱. روحانی، محمد صادق، فقه الصادق، قم، آیین دانش، ۱۴۳۵ق.
۱۲. الزحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق، چ دوم، دارالفکر للطباعة و التوزیع، ۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م.
۱۳. سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الاحکام، قم، السید عبدالاعلی السبزواری، ۱۴۱۳ق.
۱۴. سیستانی، سید علی، منهاج الصالحین، قم، مکتب آیه الله العظمی السیستانی، ۱۴۱۵ق.
۱۵. شلتوت، محمود، الفتاوی، قاهره، چ هیجدهم، دارالشروق، ۱۴۲۱ ق/ ۲۰۰۱ م.
۱۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه، قم، مکتبه الداوری، ۱۴۲۰ ق.
۱۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
۱۸. شهیدی، مهدی، ارث، تهران، چ چهارم، انتشارات مجد، ۱۳۸۱ ش.
۱۹. طباطبایی، علی بن محمد علی، ریاض المسائل، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۸ ق.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن الخلاف، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، المیسوط فی فقه الامامیه، تهران، مکتبه المرتضویه، ۱۳۸۷ ق.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، النهایه، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ ق.
۲۳. علامه حلی، حسن یوسف، تحریر الاحکام الشرعیه، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع)، ۱۴۱۰ق.
۲۴. قمی، محمد مؤمن، کلمات سدیدیه فی مسائل جدیدیه، قم، چ اول، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ق.
۲۵. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (شفعه، وصیت، ارث)، تهران، چ پنجم، میزان، ۱۳۸۴ش.
۲۶. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۲۷. مروج، حسین، اصطلاحات فقهی، قم، بخایش، ۱۳۷۹ ش.
۲۸. منتظری، حسین علی، رساله استفتائات، تهران، نشر سایه، ۱۳۸۴ ش.
۲۹. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، چ هفتم، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۳۰. نراقی، احمد بن محمد، مستند الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت ع بی تا.
۳۱. نوری همدانی، حسین، هزار و یک مسئله (استفتائات)، قم، مهدی موعود (عج)، ۱۳۸۸ ش.